

۱۹ بهمن

دانشجویی

هدایت جنبش دانشجویی در
جهت پیوند با جنبش نوین
انقلابی ایران از وظایف خطیر
مارکسیست-لنینیست های
انقلابی است

اردیبهشت ماه

سال ۱۳۵۵

شماره ۲

تضاد عمده جامعه ما و ضرورت سرنگونی

رژیم فاشیستی شاه

از مجموعه تضاد های متعدد هر جامعه در هر مرحله تاریخی معین تنها یک تضاد عمده وجود دارد که نقش کلیدی را برای رشد و جل تضاد های دیگر در آن مرحله ایفا میکند . در ایران " در برابر خلق از نظر کلی امپریالیسم ، رژیم و سرمایه داران وابسته قرار دارند . این هر سه یک جنبه ضد خلق را تشکیل میدهند ، اما در شرایط معین ممکن است هر سه عامل بطور مساوی نقش داشته باشند . . . در حالیکه این سه عامل جنبه های مختلف یک پدیده اند و باید یک وحدت ارگانیک دارند در شرایط معین یکی از آنها بر دو عامل دیگر نقش مسلط داشته و عامل عمده بشمار میرود . در این شرایط مبارزه با دو عامل فرعی تنها از طریق مبارزه عمده میسر است . از آنجا که در حال حاضر سلطه و استعمار خارجی بطور غیر مستقیم یعنی از طریق رژیم و سرمایه های وابسته عمل میکند ما با یک تجاوز مستقیم امپریالیستی روبرو نیستیم و از آنجا که رژیم (دیکتاتور شاه) تمام تریبونها و اهرمهای قدرت را در دست دارد مبارزه با ارتجاع داخلی تنها از راه مبارزه با رژیم ممکن است . در این شرایط عمده ترین مسأله ای که سد راه جنبش رهایی بخش شده دیکتاتوری شاه است . " (۱۹ بهمن تئوریک شماره ۳ - ص ۲۴)

رژیم فاشیستی حاکم که بر اساس تامین منافع امپریالیستها و بورژوازی وابسته عمل میکند ، توسط شاه ، در بار و قشر فوئانسی بورژوازی کنترل میشود ، و بویژه با نقش برجسته دربار و شخص شاه در کنترل مستقیم ماشین سرکوب دولتی (ارتش ، ژاندارمری ، شهرپای و ساواک) مشخص میشود . باین ترتیب رژیم دیکتاتوری فردی شاه عمده ترین مانع آزادی خلق ، تکامل جامعه و استقلال کشور در شرایط کنونی میباشد .

بقیه صفحه ۲

برخورد مسؤل به مسائل خاص دانشجویان

۱- مسأله ای که دانشجویان ایرانی بغلت زندگی و تحصیل در یک کشور خارجی با آن دست بگریبان هستند .
۲- مسأله ای که مشکلاتی که رژیم شاه برای دانشجویان ایرانی اعزامی به کشورهای خارج بوجود می آورد .
مسائل نوع اول بسیار متنوع و بنابر شرایط هر کشور گونه بگونه است . مسائل مربوط به جا و مسکن ، اجازه اقامت ، یادگیری زبان خارجی محلی ، ورود بکالجها و دانشگاه ها ، تحصیل کار و تامین معیشت و بالاخره تزییقاتی که مقامات آموزشی کشورهای محل اقامت دانشجوی ایرانی برای دانشجویان خارجی بطور اعم و دانشجویان ایرانی بطور اخص ایجاد میکنند ، مثل محدودیت پذیرش دانشجویان خارجی و گذاشتن شرایط شخصی نظیر معدل بالا و یا گرفتن شهریه قابل توجه وغیره . بر واضح است که دانشجویان آگاه و بطریق اولی سازمانهای دانشجویی ایرانی در هر محل باید به تمام این مشکلات و مسائل شناسائی پیدا کرده و راههای مناسب برخورد با این مشکلات را پیدا نمایند و امکانات خود را در دسترس دانشجویان قرار دهند . در چنین وضعی دانشجوی تازه وارد ایرانی میتواند باین امکانات و آمار کبیا تکیه کرده و بسا اعتماد به نفسی که ناشی از امکانات ارگانهای دانشجویی در هر کشور است خود را تنها و بی پناه در مقابل انبوهی از مشکلات نبیند . در این حال او قادر است در مقابل مشکلات

جنبش دانشجویی در هر مقطع تاریخی با مسائل متعددی روبروست . پاره ای از این مسائل در رابطه است با جنبش رهایی بخش که جنبه های سیاسی آنرا تشکیل میدهد و پاره ای که جنبه های صنفی جنبش دانشجویی را میسازد . با توجه به طبیعت فاشیستی و ضد خلقی رژیم شاه که زمینه های هر نوع فعالیت های سیاسی و حتی صنفی مستقل را مسدود کرده و هر عملی که انجام میدهد در جهت غارت ، فریب و سرکوب خلق است ، و بهین جهت و بحق جنبش دانشجویی بعنوان بخشی از جنبش رهایی بخش خلق ، شعار سرنگونی رژیم پهلوی را در سر لوحه شعارهای خود قرار داده است و ولی این نباید موجب این توهم برای عده ای از فعالین جنبش دانشجویی شود که دیگر هیچ مسئله صنفی برای جنبش دانشجویی (بخصوص بخش خارج از کشور آن) وجود ندارد ، که نیاز به بررسی و برخورد با آن باشد . بنظر ما واقعیت اینست که مسائل صنفی وجود داشته و دانشجویان با آن روبرو بوده و در مواردی با آن بطور جدی درگیر بوده و هستند . باین دلیل وظیفه جنبش دانشجویی و رهبری آنست که با دقت نظر این مسائل را مورد توجه قرار داده و برای حل و یا مقابله با آنها رهنمود های لازم را بدهد .

بجاست در اینجا مطلب را بیشتر بشکافیم و ببینیم کم و کیف این مسائل چیست . بطور کلی مسائل صنفی ای که جنبش دانشجویی خارج کشور با آن روبرو میباشد دو نوع هستند :

بقیه صفحه ۳

مواضع استراتژیک

جنبش دانشجویی در مرحله کنونی آن

- ۱) مبارزه جهت سرنگونی رژیم موناکو - فاشیستی پهلوی و قطع نفوذ کامل امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا .
- ۲) دفاع و پشتیبانی همه جانبه و بدون قید و شرط از کلیه مبارزات و مبارزین خلق بویژه جنبش انقلابی مسلمانان .
- ۳) دفاع و پشتیبانی از مبارزات زحمتکشان ، با تکیه بر مصالح انقلابی طبقه کارگر ، جهت کسب حقوق دموکراتیک و سیاسی آنان .
- ۴) بکار انداختن کلیه امکانات مادی و معنوی (بویژه انتشاراتی و تبلیغاتی) جهت برآوردن درخواستها و پیاده کردن رهنمود های پیشاهنگان جنبش انقلابی مسلمانان .
- ۵) تبلیغ حقانیت مبارزه مسلحانه و نقش محوری آن در تمام اشکال مبارزات خلق .
- ۶) پشتیبانی از تساوی حقوق زن با مرد و رفع تبعیضات علیه اقلیتهای مذهبی .
- ۷) تبلیغ و پشتیبانی از حقوق ملی خلقهای ایران و دفاع از مبارزات آنان علیه سیادت شوینیستی رژیم شاه .
- ۸) اتخاذ مواضع جهانی بر اساس منافع انقلابی خلق و سیاست خود انکائی و عدم وابستگی جنبش نوین انقلابی .
- ۹) پشتیبانی بدون قید و شرط از جنبشهای آزادیبخش جهان بویژه در منطقه خاور میانه .
- ۱۰) همکاری با نیروهای ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی و دموکرات بر اساس منافع متقابل و مصالح انقلاب ایران .

سرنگون باد رژیم موناکو فاشیستی پهلوی و امپریالیستها ، حامی آن

این مرك توست

که ذکر کردیم تصمیم به این جنایت گرفت و آنرا عملی نمود . در مورد ارزش این رفتار سازمان جریکهای فدائی خلق میگوید : این رفیق انقلابی " از بهترین ، آگاهترین و صدیقترین فرزندان انقلابی خلق ما بودند . آنان خود بنده دشواریها و خطرهای که در راهشان کمین کرده بود آگاه بودند و با آگاهی در این راه قدم گذاشتند . گروه جزئی از آگاهترین ، صادقیترین و برجستهترین کومنیستهای ایران تشکیل شده بود . آنها نخستین کسانی بودند که به ضرورت مبارزه مسلحانه در شرایط ایران رسیدند و صدافانه به تدارک آن پرداختند . " (در واقع سازمان جریکهای فدائی بر اساس تلفیق این گروه با گروه رفیق احمدزاده ایجاد شد و هسته اولیه گروه جزئی - طریقی بود که علیرغم ضربه ای که در سال ۱۳۴۶ با آن وارد آمد به فعالیت ورشد خود ادامه داد ، و سرانجام رسناخیز سیاهکل را بوجود آورد .) " آثار رفیق جزئی که در تحلیل مسائل انقلاب ایران و شرایط جامعه ایران بنه شده است حاکی از عمق آگاهی ، واقع بینی و صداقت انقلابی او و رفتاری گروه او است رفیق جزئی این آثار را با از زندان برای سازمان می فرستاد و ما آن را در سطحی محدود تکثیر و در اختیار اعضا و طرفداران سازمان قرار می دادیم . بسیاری از این آثار در " نشریه تئوریک ۱۹ بهمن " در خارج از کشور نیز به چاپ رسیده است . این آثار از بهترین کتابهای آموزش تئوریک رفتاری سازمان بود . " (نبرد

خلق - ۶)

بسیار بجاست که به نقش رفتاری " گروه جزئی " در جنبش دانشجویی ایران نیز اشاره ای بشود . کمتر کسی است که در اواخر سالهای ۳۰ و بخصوص اوائل سالهای ۱۳۴۰ در دانشگاه تهران بوده باشد و با نام جزئی آشنا نباشد (اینکه پیش از ه نام جزئی در جنبش دانشجویی منحصر شده بسبب نقش او بشاید کادر علمی در گروه بود) فعالیت گروه در زمینه مسائل دانشجویی از فروردین ماه ۱۳۳۸ شروع میشود که گروه دست به انتشار یک نشریه میزند و سپس در تدارکات جنبش ۲۰ روزی دانش آموزان فعالانه شرکت میکند و اعلامیه هایی (چه قبل و چه بعد از آن) صادر می نماید که در سازماندهی و بسیج دانش آموزان و دانشجویان نقیض ارزنده ای ایفا میکند . نقش سمیع گلشنی و صفائی فراهانی از این گروه در جنبش ۲۰ روزه بسیار بارز بود . سپس گروه در فعالیتهای دانشجویی سالهای ۳۹ تا ۴۴ و بعد از آن ، که تحت نام سازمان دانشجویان جنبه ملی انجام می یافت شرکت موثر داشت و با انتقاد از مشی و رهبری سازشکار جنبه ملی و ارائه برنامه صحیح برای جنبش دانشجویی نقش خود را بعنوان یک گروه مارکسیست - لنینیستی در جنبش دانشجویی به نحو ارزنده ای ایفا کرد . لازم به تذکر است که اینگونه فعالیتهای آنها توسط قسمت اول گروه انجام می یافت . قسمت دوم به عناصر ذخیره گروه اختصاص داشته و قسمت سوم شبکه نظامی

گروه را ، که در تدارک مبارزه مسلحانه بوده و خود شامل دو تنیم شهر و کوه بود ، تشکیل میداد . " ۱۹ بهمن تئوریک " شماره ۴ در باره برخی فعالیتهای قسمت اول گروه مینویسد : " گروه (قسمت اول) در انتشار پیام دانشجویی همکاری میکرد بخصوص در یکسال آخر فعالیت آن نقش موثری داشت " بطور کلی شرکت گروه در فعالیتهایی که تحت نام جنبه ملی در سالهای ۳۹ تا ۴۴ شروع شده بود بر اساس حفظ اصول تشکیلاتی و استقلال سازمانی و سیاسی صورت گرفت و در هدف را تعقیب میکرد (۱) حرکت در جهت ارتباط با سازمانها و نیروهای اصیل ضد رژیم و کوشش برای ایجاد جنبه واحد ضد رژیم . (۲) حرکت برای تماس و ارتباط با افراد ، نیروها و سازمانهای مارکسیست - لنینیستی اصیل و کوشش برای وحدت مارکسیست - لنینیستهای اصیل . آخرین فعالیتهای گروه (قبل از ضربه سال ۴۶) در زمینه مسائل دانشجویی ، نقش بسیار فعال آن در برگزاری مراسم هفتم و هشتم شهید ملی علامه تفتی بود که بصورت تظاهرات وسیع و عمومی مردم علیه رژیم در پایتخت سال ۴۶ تجلی کرد . اکنون موقع آنست که باید آوری خاطره این رفتاری ارزنده بگوئیم تا در راه ظفرنمون آنان بیروانی صدیقی باشیم و پیوندگانی راستین .

برافراشته باد پرچم مبارزه در زندان تا رهائی خلقهای ایران

تضاد عمده

حل کلیه مسائل مرحلهای انقلاب ، در شرایط کنونی ، از کانال مبارزه در جهت حل این تضاد عمده ، یعنی تضاد خلق با رژیم فاشیستی شاه ، و از طریق سرنگونی قدرت سیاسی حاکم ، میگذرد . بدون سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه حل سایر مسائل اساسی جامعه غیر ممکن است . ولی در عین حال ، سرنگونی رژیم به تنهایی ، ضرورتاً ، به معنی حل کلیه این مسائل قضاوت نمیشود .

در جریان مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه در صحنه آگاهی انقلابی توده رشد داده شود ، در صورتیکه پیش از آن خلق شکم شده و از عمیقترین پیوند با خلق برخوردار نشود ، محتوای سیاسی این مبارزه تا انقلاب دمکراتیک تکامل یافته و سرنگونی رژیم منجر به سرنگونی طبقات حاکمه و قطع کامل نفوذ امپریالیستها میگردد . همانگونه که در کوبا انجام گرفت . در غیر اینصورت ، یعنی تنها با سقوط رژیم شاه از بالا ، آتش مبارزه علیه جانشین آن ادامه خواهد یافت .

درک تضاد عمده این مرحله استراتژیکی از آن جهت مهم است که " در این دوره هر کس نتواند رهبری مبارزه با دیکتاتوری را بدست گیرد ، رهبری جنبش رهائی بخش را در آینده برای خود تأمین کرده است . دوری گزیدن از مبارزه بر ضد دیکتاتوری برای طبقه کارگر و پیش از آن معنسی بی اعتنائی به تضاد عمده و دوری گزیدن از مبارزه اساسی با سیستم سرمایه داری وابسته در شرایط فعلی است . این باین معنی نیست که ما از مبارزه با امپریالیسم و یا مبارزه با سرمایه داران وابسته و یا خارجی صرف نظر کنیم . این باین معنی است که مبارزه با آنها در رابطه با مبارزه با دیکتاتوری شاه انجام پذیرد . آن امپریالیستهای مورد حمله قرار میگیرند که حامیان درجه اول دیکتاتوری اند ، آن بخش از

سیستم مورد تهاجم قرار میگیرد که با دیکتاتوری ارتباط نزدیک دارد . بدون توجه باین ارتباط ، ضربات ما و امواج مبارزه ما پراکنده شده و بهدر خواهد رفت " (۱۹ بهمن تئوریک شماره ۶ - ص ۱۵۵)

با معین شدن تضاد عمده باید توجه کرد که تنها نیرویی که قادر است از عهده حل این تضاد در جهت پیروزی انقلاب ، برآید ، نیروی خلق (یعنی نیروی ضد طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده و بورژوازی و بورژوازی ملی) برهبری طبقه کارگر میباشد . در شرایط سیاسی حاکم بر جامعه ما و بنا بر خصالت آشتی ناپذیری تضاد خلق با ضد خلق ، تنها راه قهرآمیز مبارزه ، یعنی مبارزه انقلابی مسلحانه بشماره " محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما " است که توانائی لازم را بخلق میدهد تا وظایف مرحله ای خود را انجام دهد . مبارزه مسلحانه در آغاز توسط پیش آهنگان انقلابی خلق ، جهت برانگیختن توده و هدایت آن بسوی انقلاب ، انجام گرفته و بتدریج موجب رشد مبارزه خود انگیخته توده ها میگردد . توده در آغاز با استفاده از شیوه های سنتی ، مبارزه سلامت آمیز و با درخواستهای ساده صنفی ببارزه می پردازد و بتدریج در خلال تجربه از شکستها و پیروزیهای مبارزه خود و آموزش انقلابی از پیش آهنگان مسلح خود تا بدرجه ای رشد میکند که بهدرک ضرورت سرنگونی رژیم و توسل به مبارزه مسلحانه ، جهت رهائی خویش ، نائل میگردد . با پیوستن توده ببارزه مسلحانه جنگ خلق آغاز میشود . بدین ترتیب جنبش وارد مرحله قطعی انجام هدفهای استراتژیکی خود میگردد .

اکنون ببینیم که موقعیت جنبش دانشجویی در برابر این وظایف عمده مرحله کنونی استراتژیکی انقلاب دمکراتیک خلق

چیست ؟ آیا جنبش دانشجویی می تواند استراتژی دیگری جدا از استراتژی جنبش انقلابی مسلحانه خلق داشته باشد ؟ بنظر ما نه ، زیرا :

- ۱) جنبش دانشجویی عبارت از بخش کوچکی از کل جنبش خلق است ، نه خود عمده نیروی انقلاب و نه پیشرو سیاسی توده .
- ۲) دانشجویان گرچه بواسطه منافع قشری خود ، بطور کلی ، در جهت خلق قرار دارند ، ولی از آنجا که " گروه بندی سیاسی آنان با گروه بندی سیاسی کل جامعه تطابق دارد " (نقل از لنین) لذا خود تابع جریانهای سیاسی کل جامعه ، و بازتاب کننده آن میباشد .

توجه باین عوامل نشان میدهد که جنبش دانشجویی نمیتواند استراتژی سیاسی جدا از کل جنبش داشته باشد . در شرایط مشخص جامعه ما که خلق در محاق غارت امپریالیسم قرار دارد جنبش دانشجویی پس از بین محتوای خلقی دارد ، بخشی از مبارزات خلق را تشکیل میدهد و استراتژی آن تابع استراتژی مرحله ای پیش آهنگ انقلابی خلق است .

بر خلاف ادعای امپریالیستها که برای جنبش دانشجویی استراتژی قائم بخود قائلند و ضرورت تبعیت از استراتژی کل جنبش انقلابی و پیش آهنگ آن را بدون توجه به عوامل فوق نفی میکنند و در راه نزدیکی و پیوند صدافانه جنبش دانشجویی با پیش آهنگ انقلابی خلق اختلال میکنند ، جنبش دانشجویی بدون این پیوند ، نیروی خود را بیپه و بیبهدی از بین خواهد برد .

جنبش دانشجویی برای کمک به مسائل مرحله ای جنبش در کل ، با توانائی ها و امکانات خود و با اتکا بشیوه ها و وسائل منطبق با شرایط اجتماعی خود مبارزه اش را تنظیم و هدفمند بقیه صفحه ۴

مبارزه مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

برخورد مسئول

بایستد و از آنجائیکه سازمانهای دولتی رژیم شاه، نظیر سرپرستی هاوکسولگریها و غیره، بنا بر ماهیت ضد خلقی خود، تماما فاسد و عاری از احساس مسئولیت و روح تعاون بوده، و جز ایجاد اشکالات جدید برای دانشجویان مقیم خارج وظیفه دیگری ندارند، لذا دانشجویان میتوانند با اعتماد کامل به سازمانهای دانشجویی کنگد راسیون جهانی اتکا نمایند. رژیم خود باین ضعف خویش واقف است و به همین سبب دانشجویان اعزازی به خارج را با چماق جیس و شکنجه و زندان از نزدیکی به سازمانهای دانشجویی کنگد راسیون می ترساند. بنابراین بی بینیم که شناخت و آگاهی به مشکلات و مسائل محلی و پیدا کردن راه حلهای مناسب برای کمک بآنها و همچنین برنامه ریزی در ایجاد رابطه با دانشجویان تازه وارد تا چه اندازه مهم است. فعالیت مشخص و چشم گیری که تاکنون در این زمینه در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته و باعث کمک به جلب وسیع دانشجویان به اتحادیه های دانشجویی کنگد راسیون شده بسیارند، که از آن جمله میتوان از اقدامات صنعتی که در ایتالیا برای مقابله با تضيقات مقامات دانشگاهی این کشور (خواستن معدل ۱۵ از دانشجویان ایرانی) بعمل آمد و تا اندازه ای نیز موفق شد و همچنین تدوین دیکسیونر، فعالیتهایی که در آلمان برای مقابله با محدودیتهای دانشجویان ایرانی در دانشگاه ها و پلی تکنیکها صورت گرفت، اقداماتی که دانشجویان سوئد برای تدوین دیکسیونر و ترجمه دروس به فارسی بعمل آوردند و کوششهایی که دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان همراه با سایر دانشجویان خارجی برای جلوگیری از بالا رفتن شهریه - میزان چند برابر - و کم کردن تعداد دانشجویان خارجی بعمل میآورند، نام ببرند.

مسائل نوع دوم پیچیده تر بوده و در رابطه است با تمهیداتی که دستگاههای آموزشی و امنیتی و کسولگریها و سفارتخانه های رژیم شاه که همه در رابطه مستقیم با هم عمل می کنند، بعمل میآورند. در مورد این نوع مسائل باید گفت که شناسائی و آگاهی به تمام این تمهیدات و پیدا کردن راه حلهای مناسب مقابله با آنها - بعلمت پیچیدگی آنها - از عهده خود دانشجویان و یا حتی سازمانهای محلی خارج است و بعهدہ ارگانهای مرکزی جنبش دانشجویی کنگد راسیون

آخبار

استعار "پید سرخی" منتشر میکرد و از او تاکنون چند اثر با ارزش منتشر شده است. زنان مترقی جهان رژیم فاشیستی شاه را محکوم میکنند. بنامست روز بین المللی زن (۱ مارس) از تاریخ ۱۳ تا ۱۵ مارس سال جاری يك دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایات علیه زن در بلژیک تشکیل شد. این دادگاه با شرکت نمایندگان بیش از ۲۰ کشور از سراسر دنیا و با حضور متجاوز از ۱۰۰ نفر شرکت کننده برگزار شد. از جمله نکات مهم این دادگاه صدور قطعنامه هایی علیه فجایعی بود که در ایران، شیلی و اسپانیا صورت میگیرد. در این دادگاه از جنایات رژیم ترور و اختناق شاه، که علیه تمام آزادخواهان ایران و بویژه در سالهای اخیر علیه زنان مترقی و مبارز ایران توسعه یافته است، پرده برداشته شد. بعلمت توجه زیاد دادگاه نسبت به جنایت رژیم ایران قطعنامه بسیار مهمی جهت محکوم کردن آن، همانند رژیم دیکتاتوری

است. سیاست کلی رژیم ضد ملی شاه در رابطه با ایسین مسائل از همان شیوه کلی اش یعنی سیاست "شلاق و نشان قندی" تبعیت میکند. از یکطرف روشهای اختناق و تهدید بزدان و شکنجه و محرومیت از حقوق اجتماعی، فشار به خانواده ها، قطع نامه ها و غیره، را اعمال میکند و از جانب دیگر تطمیع و تحسین نظیر پرداخت بورس، نشان دادن "در باغ سبز" به فارغ التحصیلان خارج از کشور و پیشنهادات شغلهای خوب با حقوقهای بالا مینماید. مقامات رژیم برای دانشجویان اعزازی به خارج (اعزاز به خارج چهار نوبت در سال انجام میگیرد) معمولا چهار جلسه "ارشاد" (بخوان اغفال) ترتیب میدهند. اغفال و ارعاب دانشجویان در دوره های مختلف متفاوت بوده است. آخرین شیوه ای که معمول است دادن اطلاعاتی درباره فعالیتهای گروههای سیاسی خارج کشور و کنگد راسیون جهانی، و تهدید بی پرده دانشجویان به زندان و شکنجه و محرومیت، در صورت داخل شدن در این فعالیتهای میباشند. مامور "ارشاد" با کمال وقاحت به نبودن دگرسانی در ایران اشاره میکند و سپس به دانشجویان "هدار" میدهد که شعا نباید "بدام" شرایط آزاد و دموکراتیک کشورهای خارج افاده و داخل فعالیتهای "ضد ایرانی" نمود و در موقع بازگشت به ایران برای خودشان ایجاد درد سر بنمایند. او شروع به خواندن "کتاب در باره ساواک" منتشره از طرف کنگد راسیون جهانی نموده و بدون اینکه در صدور تکذیب محتویات آن برآید به تشریح شکنجه ها و آزار و اذیت ها می پردازد. باین ترتیب کوشش میکند در ذهن دانشجوی اعزازی بخارج ترس و وحشتی فراوان از ساواک و رژیم ایجاد کرده و مانع از نزدیکی او با گروههای سیاسی خارج کشور و کنگد راسیون جهانی شود. و در مقابل نمیدهد که اگر "بیطرفی" و بی عمل بعاندن آنان بورس تحصیلی و شغل دلخواه، در آینده تعلق خواهد گرفت. شناخت این شیوه های رژیم و توجه به تمهیداتی که از نظر ناگنجی در این شیوه ها بعمل میآید و تجزیه و تحلیل ایسین تغییرات به ارگانهای رهبری دانشجویان امکان میدهد شیوه برخورد با این ناگنجی را یافته و در جهت خنثی کردن این روشهای ضد خلقی رژیم کوشش کنند. و در مقابل به روشهای تعرضی اقدام کنند. مسئله بورس تحصیلی یکی از مسائلی است که رژیم در سالهای اخیر، بمنظور تامین کادرهای

شیلی، گذرانند که ما در زیر بخشی از متن آنها نقل میکنیم: "دادگاه رژیم فاشیستی شاه و متد های فاشیستی آن و شکنجه زندانیان سیاسی را محکوم کرد و آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی را خواستار است." صدور چنین قطع نامه ای، برهانی از نگرانی افکار عمومی نسبت به اوضاع اختناق در ایران، و از دستاوردهای بزرگ زنان مبارز ایران در جهت افشای ماهیت رژیم فاشیستی شاه در سطح بین المللی است. * مظاهر جدیدی از دیکتاتوری فردی شاه. "تقویم ایران عوس شد" این خبریست که روزنامه های ایران در اولین اشاره بتقویم بروز دادند. تا اعلام این خبر هیچکس هیچ چیز درباره آن شنیده بود. بدون هیچگونه مراجعه بانفکار عمومی حتی بدون توجه بهعین مجلسهای قلابی و حزب قلابی و وزراء قلابی که تماما دست نشانده شاه هستند، شاه تصمیم میگیرد و اعلام میکند و لذا دولت و تشکیلاتش باید اجراء کنند. اینهم نمونه ای دیگر از دیکتاتوری خشن فردی

مخصص برای صنایع وابسته مطرح ساخته و بعلمت درآمد نفت میتواند روی آن بخوبی مانور دهد. پرداخت بورس سادگی و با شرایط خیلی سبلی صورت میگیرد. البته این سادگی در شکل پرداخت آنست ولی بر واضح است که در محتوای خود تعهدات ضمنی برای همکاری و یا حداقل، بی عملی دانشجویان و "بیطرفی" آنان نسبت به مسائل مبارزاتی را بهرماه دارد.

در این مورد برخورد دانشجویان و اتحادیه های دانشجویی در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. در مواردی گرفتن آن تحریم شده است و بگیرندگان آن بصورت همکاری رژیم برخورد شده است، در موارد بسیاری سکوت اختیار شده است و یک سیاست و تصمیم مشخص اتخاذ نشده است و در مواردی هم گرفتن آنها بلامانع تشخیص داده و تسامحی که دانشجویان بورس رانانمی برای ادامه فعالیتهایشان تلقی نکرده و وظایف خلقی و میهنی اش ادامه دهد و حتی از آن برای کمک به جنبش هم استفاده کند سالم تشخیص داده اند. نگاهی بهعین نحوه های برخورد میرواند که یک روش واحد در رابطه با این مسئله اتخاذ نشده و نتیجه آنکه دانشجویان و رهبریهایی دانشجویی در نقاط مختلف با سردرگمی روبرو هستند و نمیدانند چه روشی اتخاذ نمایند.

بنظر ما برخورد مسئول با هر دو نوع مسائل مطروحه در فوق نه تنها از وظایف سازمانهای دانشجویی در هر محصل و ارگانهای رهبری جنبش دانشجویی و کنگد راسیون در کسب میباید بلکه برای جلب و تشنگ دانشجویان و توسعه و رشد جنبش دانشجویی، بویژه در مرحله فعلی جنبش انقلابی مسلحانه، یعنی مرحله سیخ توده ها، و ضرورت پیاده کردن محتوای سیاسی مرحله، یعنی مبارزه ضد رژیم دیکتاتوری شاه بین دانشجویان از طریق طرح مسائل ملموس صنعتی دانشجویان، اهمیت حیاتی دارد. بنابراین ضروری است که با شناخت و ارزیابی این مسائل و سپس برنامه ریزی مشخص در هر سطح و محلی و سراسری، به حل و فصل این مسائل پرداخته شود. ما در این مقاله کوشش کردیم نظر دانشجویان آگاه و سازمانهای دانشجویی را به این مسائل بطور کلی جلب نمائیم و در مقالات آتی کوشش میکنیم بهر مسئله بطور مشخص برخورد

شاه است. و اما مقاصد شاه و رژیم دیکتاتوری او از تغییر سر تقویم چیست؟

۱) فاشیسم سلطنتی پهلوی میخواهد با ایجاد کیش سزاد پرستی، ناسیونال-نویسنی و مراجعه بارواج مرده تاریخ در مردم امیر ایران، خصائل تجاوز کرانه و سیادت طلبی نسبت بخلقهای محروم و زیر ستم همجوار ایجاد کند (همیشه که فاشیستهای هیتلری میکردند) تا بتواند با روحیه ملی قدرت طلبی و سیطره جویی، مردم ایران را علیه خودشان و خلقهای همجوار برانگیزاند.

۲) فاشیسم سلطنتی پهلوی میگوید با بیان کردن وجود ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی در ایران و تاکید روی این امر اینطور وانمود سازد که سلطنت در ایران امری طبیعی و ابدی است و از این طریق سعی دارد سلطنت را تثبیت کرده و برای خود اعتبار تاریخی و به اصطلاح سند ادامه حیات بیابد. همچنین میخواهد این امر را مقدمه "جشنهای" ۲۵۰۰ ساله سلطنت

بقیه صفحه ۴

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی مسلحانه

اخبار

امپریالیستها در ایران توسط خاندان مغفور پهلوی و قرار
 ۳) فاشیسم سلطنتی پهلوی با این منطلق سازی تاریخ میخواید
 فهم ضرورت تکامل و تغییر را در پیش مردم کور کند ، و از این
 طریق کاری کند تا مردم درک نکنند که در این مقطع عالی از
 تعدن بشریت که همه چیز بسوی حکومت جمعی بشر بر محیط
 خود پیش میرود جایی برای حکومت های خود گامه فردی نیست .
 ۴) فاشیسم سلطنتی پهلوی تلاش دارد با ایجاد چنین سرو
 صداهای ناهنجار ، که هر چندی یکبار با عناوین مختلف چون
 جشن ، یادبود و "انقلاب" و غیره تکرار میکند ، توجه مردم
 را از مبارزه عمده جامعه ، یعنی مبارزه جهت سرنگونی رژیم
 فاشیستی و سلطنتی پهلوی بدور کند . به عبارت دیگر میکوشد
 تا از طریق افکندن مبارزات پیشاهنگان انقلابی مسلح بسر
 بخشهای مختلف خلق و تاثیر آن بر مبارزات مردم جلوگیری کرده
 باشد . ولی مردم ایران میدانند که دوران سلطنت و استبداد
 بسر رسیده است و رژیم فاشیستی شاه آخرین نمونه حکومتهای
 بودگامه اقلیت بر اکثریت خواهد بود ، و با مبارزات رنشد
 کننده انقلابی خلق ، سلطنت پهلوی واژگون خواهد شد و مردم
 ایران از جنایات اقلیتهای اشرافی ، که طی قرنهای برآمده اعمال
 شده است ، رها خواهند شد .

۵) فاشیسم سلطنتی پهلوی میخواید بار دیگر یک کتبیسن
 همگانی در سطح جامعه بعمل آورد . بدین معنی که از طریق
 تعویض شناسنامه ها و کلیه اوراق شناسائی و اسناد و مدارک

تضاد عمده

میکنند و بعنوان یک نیروی کلکی ، در خدمت پیش آهنگ خلق
 قرار میگیرد . این مبارزه از یکطرف توده دانشجویان آگاه و
 متشکل می سازد و از طرف دیگر با پیاده کردن اهداف و تبلیغ
 و ترویج مواضع پیشاهنگان انقلابی ، در خدمت آن قرار میگیرد و
 میکوشد با افزایش درجه ایمان و اعتقاد دانشجویان نسبت به
 پیروزی خلق ، آنان را تبدیل به نیروی ذخیره انقلاب ایران
 نماید ، که در رشد بعدی خود شایستگی پیوستن به صفوف
 پیشاهنگان انقلابی خلق را دارا باشند .

در این مرحله که مبارزات خلق جهت سرنگونی رژیم
 دیکتاتوری سلطنتی شاه است ، جنبش دانشجویی با امکانات
 عملی خود در این جهت حرکت میکند . بر خلاف ادعای
 اپورتونیستهای تسلیم طلب که توانائی سرنگون ساختن رژیم
 توسط دانشجویان و داشتن وسائل لازم برای انجام آنرا
 بعنوان شرط قبول شعار سرنگونی رژیم می دانند و باین طریق
 پذیرش شعار سیاسی مرحله را که باید راهمنا تنظیم کنند
 کلیه فعالیتهای جنبش دانشجویی باشد با توانائی عملی آن
 مخلوط میکنند ، باید گفت ، پذیرش شعار سیاسی مرحله
 ضرورتا بمعنی توانائی بالفعل برای انجام آن در هنگام پذیرش
 شعار نیست ، بلکه مشخص کننده جهت حرکت در یک مرحله
 و تاثیر گذاری روی حل تضاد عمده می باشد .

همینطور است استوضع اپورتونیستهای دیگر که یا مبارزه
 مسلحانه را در شرایط کنونی جامعه قبول ندارند ، یا محوری
 بودن آنرا نادرست می دانند و یا اینکه طرح آنرا در جنبش
 دانشجویی ، چپ روی قلمداد می کنند . اگر شعار سرنگونی
 رژیم شعاری درست است ، پس مبارزه مسلحانه نیز بعنوان ابزار
 انجام آن باید بعنوان شعار خاص در جنبش دانشجویی
 طرح شود . با شناخت سیرت فاشیستی رژیم حاکم بر جامعه

(چون دیگر سال نسبی ۱۳۵۵ اعتبار ندارد و سسال
 " شاهنشاهی ۲۵۳۵ " همه جا محاسبه میگردد) بار دیگر
 افراد و آحاد مملکت را شناسائی دقیق کند . این کاری است
 که سابق هم رژیم ارتجاعی ایران از طریق تعویض شناسنامه به
 " کارت شناسائی " و غیره قصد داشت انجام دهد . ولی این
 بار باصطلاح دلیل موجهی برای این کار خواهد داشت . این
 امر در رابطه مستقیم با روی آوردن روز افزون عناصر آگاه جامعه
 به مبارزه انقلابی نوین و عاجز بودن رژیم در مقابله با سازمانهای
 سیاسی - نظامی میبایست . و در واقع یک خانه کزلی و " پسان
 سازی " سراسراست .
 * " رادیوی میهن پرستان " را گوش کنید .

چند ماهی است که بار دیگر رادیوی میهن پرستان برنامه -
 های خود را آغاز نموده است . این برنامه ها شامل اخبار
 داخلی و خارجی ، آموزش سیاسی - نظامی و بحث نظریات
 ایدئولوژیک سازمانهای انقلابی درون ایران می باشد . این
 برنامه ها همه روزه از ساعت ۷ تا ۱۱ صبح بوقت تهران
 روی موج مختلف برای ایران و خارج پخش می گردد . برای
 ایران روی موج متوسط ریف ۲۱۷ متر مطابق با ۱۱۱۴
 کیلو هرتس (KHZ) و برای اروپا روی موج متوسط ریف ۳۵۰
 متر مطابق با ۸۵۰ کیلو هرتس (KHZ) ما شنیدیم این رادیو
 را به همه مبارزین و آزاد یخواهان توصیه می کنیم و تاکید می
 کنیم که این از وظایف دانشجویان آگاه مقیم خارج است که بهر
 وسیله ممکن که در اختیار دارند دیگران را (چه در داخل
 و چه در خارج) از ساعت و طول موج این رادیو مطلع سازند .

ما ، باید پذیرفت که بدون مبارزه مسلحانه جایی برای رشد
 مبارزات مسالمت آمیز خلق وجود نخواهد داشت . و باین
 علت ضرورتا راه قهرآمیز محور کلیه مبارزات می باشد . و ازجائی
 که جنبش دانشجویی باید استراتژی خود را از استراتژی جنبش
 انقلابی اخذ کند ، لذا باینستی اهمیت محوری بودن مبارزه
 مسلحانه را نیز درک کرده و نیروی خود را در جهت توضیح و
 تبلیغ این مبارزه ، بین مردم و توده های دانشجویی ، بکار
 برد . مقابله با راه قهرآمیز در هر نحوه ای که بروز کند
 قانونمندی مبارزات جامعه ما مایبست دارد ، و در نتیجه
 مبارزه را به حال رکوید ، تسلیم طلبی و نهایتا شکست میکشاند
 بهمین جهت باید افشاء کرد .

جنبش دانشجویی خارج ، بعنوان بخشی از کل جنبش
 دانشجویی ایران ، با استفاده از شرایط بسیار مساعد و
 داشتن امکانات زیاد میتواند اولاً : افکار انقلابی پیشاهنگان
 مسلح خلق را بین ایرانیان ، دانشجویان و روشنفکران خارج
 تبلیغ کند و با توضیح حقایق مبارزه مسلحانه ، توده های
 دانشجویی را به پشتیبانی و حمایت معنوی و مادی از آن
 بسیج کند . ثانیاً : با رسوا کردن ماهیت دیکتاتوری و ضد خلقی
 رژیم شاه و افشاء شیوه های فاشیستی آن طبیب وسیعی از
 اعتراض و مخالفت را در سطح جهانی علیه آن برانگیزد ، و
 رژیم را در مجامع بین المللی د مکررات و مرقی مغرور سازد و بسا
 توضیح ضرورت مبارزه مسلحانه در شرایط ایران و بیان اهداف
 انقلابی آن ، افکار عمومی و سازمانهای مرقی جهان را بسه
 پشتیبانی از جنبش انقلابی نوین ایران جلب کند .
 باین طریق جنبش دانشجویی وظایف مرم خود را جهت
 خدمت به امر سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه ، و حمایت از جنبش
 خلق و پیش آهنگ انقلابی مسلح آن انجام می دهد .
 سرنگون بساد رژیم دیکتاتوری سلطنتی شاه

* تمهیدات رژیم برای مقابله با رشد مبارزات ،
 با رشد و گسترش مبارزات خلق و بویژه اعتلا جنبش انقلابی
 مسلحانه ، رژیم ارتجاعی ایران شیوه های تدافعی تازه ای را
 تدارک دیده که ما در زیر به چند نمونه از این حرکات اشاره
 میکنیم :

الف : ابلاغ " خیلی محرمانه " به پادگانها .
 ۱- هر خودرو که وارد پادگان میشود باید اسکورت شود و
 مسیر آن نیز از کنار نقاط حساس نباشد .
 ۲- در جلوی درب انتظامات حتما از عناصر باهوش و ورزیده
 استفاده شود .

۳- برای ورود و خروج افراد مجاز به پادگان کارت مخصوص
 صادر شود .
 ۴- کارگرانی که در پادگانها کار میکنند ، کنترل شوند .
 ۵- در موارد غیر خدمت ، تمامی خودروها کنترل شوند .
 ۶- بهر مورد مشکوکی که برخوردند ، فوراً گزارش شود .
 ب) طبق نامه های " خیلی محرمانه " دیگری به کادرهای
 ارتش توصیه هایی چنین شده است .

۱- مقامات مسئول ارتش باید از دادن آدرس خود و پرسنل
 حساس به دیگران خوداری کنند .
 ۲- کادرهای ارتش بدون اجازه قبلی ، حق تماس با خارجیان
 و دریافت هیچگونه عده به و کاد و از آنها را ندارند .
 ۳- هرگاه وجود یک خرابکار را در هر کجا اطلاع دهند تشویق
 شده و ۱۰ هزار تومان پاداش دریافت خواهند کرد .
 پ) در پادگانها و کلاسترها مأمورین را جمع کرده در باره
 جریکها و طرز زندگیشان سخنرانی نموده و توضیحاتی برایشان
 داده شود .

ت) در مشهد براندگان امرای ارتش و افسران عالیرتبه
 کوشش شده که هنگام رانندگی ، مراقب خودشان بوده و پشت
 سرشان را کنترل کنند زیرا ممکن است مورد تعقیب جریکها
 واقع شوند .

ث) برای افسران و درجه داران فیلم های اطلاعاتی نمایش
 می دهند تا دید امنیتی آنها را بالا ببرند .
 ج) نیروی " پایداری ملی " نیز فعالیتهای زیادی تدارک
 می بینند :

۱- کارمندان کارخانه های مختلف ، طی یک دوره باز آموزی ۱۰
 روزه آموزشی نظامی دیده اند .
 ۲- تعدادی از کارمندان جوان وزارت دارائی در خرداد ماه
 سال گذشته جهت آموزش " دفاع ملی " به اردوگاه لشکرک
 اعزام شده اند .
 ۳- در مدارس طی اکپی های متفاوتی محصلین را دعوت به
 عضویت در نیروی " پایداری ملی " میکنند .
 ۴- رانندگان سازمانها و دوائر دولتی نیز آموزشهای نظامی
 می بینند ، از جمله در آذر و دیماه ۵۰ نفر از شرکت واحد
 طی یک ماه آموزش تیر اندازی دیده اند .

این بود بخشی از کلیه برنامه های تدافعی رژیم . نکته ای
 که اینجا باید تذکر داد اینکه تمام این تشبثاتی که رژیم شاه
 به آن دست می یازد ، تنها نشان دهنده آنست که رژیم دیگر
 نمیتواند با شیوه های سابق به حاکمیت خود ادامه دهد . و
 باصطلاح جزیره " ثبات و آرامش " او دیگر آرام آرام میرود که
 دچار طوفان شود و در مقابل موج رو به گسترش انقلاب ایران
 است که همه این اقدامات و اقداماتی نظیر این صورت میگیرد .

درود و افتخار به پایداری و ایمان خلل ناپذیر رزمندگان دریند

اوماه مه

یابد مگر آنکه در عین حال و برای همیشه تمام جامعه را از هر گونه استثمار، ستم و تقسیم طبقاتی و مبارزه طبقاتی نجات دهد. (نقل از مانیفست حزب کمونیست)

در مقایسه با جنبشهای غیر پرولتری که یا جنبش اقلیتها بوده یا بسود اقلیتها انجام میگردد " جنبش پرولتاریا جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت عظیم انجام میدهد پرولتاریا (همانجا)

بورژوازی علیرغم تلاش ارتجاعی خود برای واژگون کردن علم و ابدی جلوه دادن سبطه غارتگرانه اش " مقدم بر هر چیز گورگنان خویش را بوجود میآورد. فنانی او و پیروی پرولتاریا، بطور همانندی ناگزیر است " (همانجا)

در مقایسه با اپورتونیستها که بعلمت تضادشان با منافع خالص پرولتاریا و بعلمت خدمت طبقات غیر پرولتری، هیچگاه در برابر مسائل انقلابی مواضع صریح ندارند (انتقادی هستند) و بنا بر مقتضیات پراگماتیستی (استفاده جویی لحظه ای) از بیان واقعیات و اعلام مواضع درست عدول میکنند، " کمونیستها عار دارند که مقاصد و نظرات خویش را پنهان سازند. " (همانجا)

بر خلاف طبقات دیگر اجتماعی که در مبارزاتشان متزلزل هستند (بویژه بورژوازی ملی)، مارکس و انگلس با ناکید بر روی صراحت و صداقت طبقه کارگر و وفاداری تا بآخر اوبسه انقلاب، بنام جهان استثمار و بردگی اعلام میکنند که کارگران " تنها از طریق واژگون کردن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر و وصول به بد فبایشان میسر است. بگذارد طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند و پرولتاریا در این میان جز زنجیر خود را از دست نیندهد، ولی جهانی را بدست خواهد آورد. " (همانجا)

از زمانیکه این تحلیل های علمی مارکس و انگلس، بصورت مانیفست حزب کمونیست جمع بندی شد یعنی از ۱۳۳۲ سال قبل تا کنون جهان کارگری پیرویهای عظیمی کسب کرده است. در خلال جنگ امپریالیستی اول طبقه کارگر روسیه تحت رهبری حزب کمونیست و در راس آن لنین کبیر، اولین انقلاب پیروزمند کارگری را در کشوری بمقیاس ۱/۴ کره ارض پیروز و رسانید. طبقه کارگر شوروی تحت رهبری حزب کمونیست و در راس آن رفیق استالین بساختمان اولین کشور سوسیالیستی برداخت و بزرگترین نقش را در جبهه ضد فاشیستی در جریان جنگ جهانی دوم بعهده گرفت.

طبقه کارگر جامعه چین تحت رهبری حزب کمونیست و رفیق ماوتسه دون در خلال ۲۸ سال مبارزه انقلابی که ۲۱ سال آن مبارزه انقلابی مسلحانه بود، قادر شد بزرگترین انقلاب را در شرایطیک کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال، علیه ارتجاع و امپریالیسم پیروزی برساند. با پیروزی انقلاب چین قانونمندی جنگ توده ای رشد یافته و در خلال این انقلاب تجربه انقلابی پرولتاریا در زمینه استراتژی نظامی غنی تر و کاملتر گردید. قانونمندی جنگ خلق راه کنای انقلابات زحمتکشان، تحت رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست بمتابه پرچم راهنمای خلقهای تحت سلطه قرار گرفت. بکاربروخلق آن، انقلابهای آزاد بیخش آلبانی، کره، ویتنام و کوبا را پیروزی رسانید. و اکنون این گنجینه تجربیات انقلابی پرولتاریا آنقدر قویست که جنبشهای آزاد بیخش جوامع تحت ستم آفریقائی، با رشد

ضعیف نیروهای مولده، میتوانند با اتکا، بدان بعنوان یک عامل مهم، انقلاب خلق را برهبری طبقه کارگر علیه ارتجاع و امپریالیسم پیروزی برسانند.

تاریخ مبارزات کارگری جامعه ما کویا ۷۰ سال مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم و ۵۰ سال مبارزه علیه فاشیسم پهلوی میباشد. طبقه کارگر ایران متشکل در اتحادیه های کارگری و تحت رهبری حزب کمونیست در سالهای ۱۰ - ۱۳۰۰ مبارزات توده ای وسیعی را دنبال میکرد. از شهریور ۱۳۲۰ تا سالهای ۲۶ - ۲۷ جنبش بسیار وسیع کارگری، بسرای دفاع از حقوق خود و مبارزه علیه فاشیسم، در حال رشد بود. مبارزات عظیم و توده ای کارگران در این سالها در تمام تاریخ مبارزات کارگری ایران بی سابقه است. کارگران ایران در مبارزه برای ملی کردن نفت بطرز چشمگیری شرکت داشتند. لکن این دوره از مبارزات، بعلمت ضعف شدید رهبری اپورتونیستی حزب توده، بر استراتژی نادرستی قرار گرفت و جنبش کارگری مواجه با شکست شد و مانع آنشد که طبقه کارگر ایران بتواند در راس جنبش ضد استعماری قرار بگیرد و این مبارزات را براه واقعی آن، یعنی سرنگونی طبقات ارتجاعی حاکم و قطع نفوذ امپریالیستها از طریق مبارزه مسلحانه توده ای، هدایت کند. اگر چه طبقه کارگر ایران بعلمت خیانت رهبری حزب توده شکست خورد لکن مبارزه خود را در شرایط پلیسی حاکم بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در زندان، زیر شکنجه و در جوخه اعدام ادامه داد.

رژیم خائن شاه که پیش از هر شیرویی دیگری دشمن کینه توز طبقه کارگر ایران است، علیرغم تمام تمهیداتش قادر نشد طبقه کارگر ایران را فریب بدهد. تمام طرحهای فریبکارانه او چون، " سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها، فروش سهام کارخانه ها بکارگران، بیمه کردن کارگران و خانه سازی برای کارگران "، بزودی در عمل رسوا شد. هر گاه کارگران، بخاطر همین وعده های پوچ و شاه فرموده، دست خود را دراز کردند بلافاصله با کلوله بخون کشیده شدند. این امر بیش از پیش تضاد منافع کارگران زحمتکش و استثمار شده را با رژیم شاه که استثمار مضاعف بورژوازی داخلی و امپریالیستها را علیه کارگران حراست میکند، نشان میدهد. و بهین دلیل شاه جبرا همان شیوه پلیسی خفتان و سرکوب را در کارخانه ها علیه طبقه کارگر ایران مسلط کرده است. طبقه کارگر ایران دشمن قهار خود را شناخته است و بان نیروی لایزال هژود خلق را بسوی انهدام رژیم نوکرامپریالیست شاه هدایت خواهد کرد.

مبارزات خلق ما طی ادوار مختلف، بعلمت عدم وجود رهبری انقلابی پرولتری که بتواند تجربه تاریخی پرولتاریا، یعنی مارکسیسم - لنینیسم انقلابی، را بر اوضاع مشخص ایران تطبیق بدهد، همواره از سیر پیروزمند خود منحرف شده است. در زمانیکه بورژوازی ملی رهبری مبارزات ضد امپریالیستی را در اختیار داشت، بعلمت ضعف تاریخی و عدم قاطعیتش در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم (که خود ناشی از منافع طبقاتی اش است)، قادر نگردید مبارزه را پیروزی برساند. این امر هم در انقلاب مشروطیت و هم در جنبش ملی کردن نفت بروز کرد. اشتباهات حزب کمونیست، در شناخت قانونمندی مبارزه در جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودال تحت سیادت

حکومت وابسته رشا شاه و در درک ضرورت انقلاب ارضی و مبارزه مسلحانه، جنبش کارگری را در مبارزه با رژیم فئودال - کهراد و رضا شاه ناتوان کرد. در دوره ایکه رهبری اپورتونیستی حزب توده مبارزات کارگری را هدایت میکرد این مبارزات بناگامی و شکست انجامید. این تجویبات درسهای هستند حاکی از اینکه نه بورژوازی ملی و نه رهبری اپورتونیستی کارگری، هیچکدام قادر نیستند انرژی توده را براه پیروزمند هدایت کنند. یسا در بین راه مبارزه را ناتمام میگذارند و یا آنها را شکست مواجه میسازند.

برای پیروزی انقلاب جبهه واحد خلق بر اساس انحسار کارگران و دهقانان، تحت رهبری حزب طبقه کارگر، همراهِ با ارتش آزاد بیخش لازم است. تدارک این ابزار از خلال مبارزه ای سخت و طولانی علیه رژیم دیکتاتوری شاه میگذرد. مبارزه ای که با اتکا، اساسی بر مبارزه مسلحانه بعنوان محور کلیه مبارزات خلق رشد کرده و به اهدای خود میرسد.

بی اعتنائی رهبری گذشته جنبش کارگری به این دستاورد و جنبش کمونیستی و کارگری جهان، که در خلال بیش از یک قرن مبارزه و با صرف ملیونها قربانی کسب شده است، عناصر و گروههای آناه و صادق مارکسیست - لنینیست را به عصیان علیه رهبریهای اپورتونیستی برانگیخت و آنان را بر آن داشت که خود این تجربیات را جمع بندی کرده، در جهت انطباق آن با اوضاع مشخص جامعه ایران حرکت کنند.

برجسته ترین این گروه ها، د و گروه مارکسیستی - لنینیستی، جزئی - طرفی و واحد زاده - پویان، بودند، که با شناخت دقیق قانونمندی عام مبارزات انقلابی و تحلیل مشخص از شرایط اقتصاد - اجتماعی - سیاسی جامعه ما، راه مبارزه انقلابی مسلحانه طولانی را در شرایط ایران انتخاب کردند. ثمره تدارک انقلابی این گروهها بصورت رستاخیز سیاهکل محقق یافت و جنبش نوین انقلابی خلق ما در گل و جنبش نوین کمونیستی ایران بطور اخص در ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۴۹ اعلام وجود نمود. از آن تاریخ پیشاهنگ انقلابی و راستین پرولتاریا، سازمان جریدهای فدائی خلق، پای بحرصه وجود نهیاد.

سازمان جریکهای فدائی خلق از همان آغاز با صراحت کمونیستی اهدای خود را که در خدمت منافع طبقه کارگر میباشد و بر مارکسیسم - لنینیسم انقلابی اتکا، دارد، اعلام کرد. برنامه حداقل خود را سرنگونی رژیم فاشیستی شاه - نابودی بورژوازی وابسته، قطع نفوذ امپریالیسم از ایران و برقراری حکومت د مکرانیک خلق، از طریق مبارزه انقلابی مسلحانه طولانی، قرار داد. هدف طولانی اش را ایجاد جامعه سوسیالیستی و رشد آن تا کمونیسم، جامعه ای بدون طبقه و بری از هرگونه ستم و استثمار، تعیین نمود. بدینسان طبقه کارگر ایران بزرگترین پیروزی تاریخ معاصر را که ثمره جاننازیها و تسلیم ناپذیریهای طولانی اش بسود بسدست آورد.

بر قرار باد پیوند پیشاهنگان انقلابی مسلح خلق با طبقه کارگر انقلابی ایران

زند باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

گسترده باد پیوند پیشاهنگان انقلابی مسلح خلق با طبقه کارگر

این مرگ توست که می سازد

سالگرد شهادت ۹ فرزند انقلابی خلق

یک سال از شهادت ۹ انقلابی بزرگ خلق ما، بیژن جزئی، حسن ضیاء ظریفی، محمد چوپانزاده، عزیز سرمدی، شعوف کلانتری، عباس سورگی، احمد جلیل افشار، (از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق) و مصطفی جوان خوش دل و کاظم نوالانوار (از اعضاء سازمان مجاهدین خلق) میگذرد، یک سالی که سراسر بود از جنایات رژیم فاشیستی شاه جلا د نسبت به خلق زحمتکش ایران و جنبش انقلابی مسلحانه آن، یکسال بگر بر استثمار شدید، سرکوب فاشیستی و کشتارهای جنایتبار رژیم محمدرضا شاه افزوده شد. ولی در مقابل، همچنان خلق و در رأس آن سازمانهای سیاسی - نظامی (چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران) مبارزه خود را قاطعتر، پیکرتر و گسترده تر بر علیه رژیم فاشیستی شاه ادامه داده و توانسته است ضرباتی وسیعتر بر پایه های لرزان رژیم وابسته به امپریالیست شاه وارد آورد.

شهادت ۹ انقلابی خلق اگر چه ضایعه ایست برای جنبش نوین انقلابی ایران و کلیه نیروهای مترقی ولی انعکاس آن در بین نیروهای ترقی خواه و خلق زحمتکش ایران چنان کینه و خشمی را برانگیخت که رژیم شاه را به وحشت انداخت، اعتصاب غذای ۵۰۰۰ زندانی در زندان قصر، اعتصابات و تظاهرات دانشجویان در اغلب دانشگاههای ایران، آکسیونهای دفاعی - تبلیغی گفتراسیون جهانی دانشجویان ایرانی در خارج کشور، اعتراضات و تبلیغات وسیع سازمانها و شخصیتهای بین المللی و بالاخره عملیات نظامی رزمندگان چریک (اعدام دو مستشار امریکائی توسط مجاهدین خلق و اعدام نوشیروان پور توسط چریکهای فدائی) همه نمود هایی از بروز کینه و خشم انباشته خلق است نسبت به این جنایت رژیم شاه، تازه، ایمن نمود های آشکار و بلافاصله آن میباشد و اثرات پنهانی و طولانی آن، که در بطن جنبش ما نقش بسته، و هر روز بر وسعت آن افزوده میشود بی انتها خواهد بود. بدین ترتیب رژیم خائن شاه خواست تا با از بین بردن فیزیکی آنان بلکه اثرات و مبارزات آنها را هم نابود سازد ولی ندانست که با این عمل بدست خود خماسه مبارزه و مقاومت آنان را در سینه های مردم و در تاریخ خونین مبارزات خلق ما هرچه پرشکوه تر ساخت.

رشد سازمانهای سیاسی - نظامی و مبارزات آنها و ضرباتی که به پیکره رژیم وارد آورده اند، و رشد مبارزات توده ای و افزایش حمایت توده از مبارزات مسلحانه و سازمانهای چریکی، سرنگونی محتوم رژیم شاه را روز بروز آشکارتر میکند. رژیم شاه با وحشت از این سرنوشت در مقابل با رشد مبارزات خلق مستاصل شده و جز انتقام جوئی و توسل جستن به راه حلهای فاشیستی و موقتی کاری نمیتواند انجام دهد. و این نیز رژیم را به سرنوشت محتوم خود نزدیک تر میسازد. از جانب دیگر، این رژیم مغفوق که روز بروز بیشتر در میان توده مردم منفرد شده و هر تلاش آن برای بسیج ضد انقلاب با شکست مواجه

میشود، بد نهال کسب حیثیت برای خود در میان عناصر انقلابی محبوب خلق میگردد. و در این میان نخبه مبارزین اسیر را از اقصی نقاط ایران در نهران گرد میآورد (بقولی حدود ۱۵۰ زندانی سیاسی از زندانهای شهرهای کوناگون به کمیته منتقل شده بودند) تا تحت وحشیانه ترین شکنجه های " مدرن " اراده پولادین و انقلابی آنان را در هم شکسته و وارانشان سازد که پشت دستگاه تلویزیون حزب فاشیستی " رستاخیز " را تائید کرده و بدینوسیله بلکه اعتماد توده را به رژیم جلب نماید. و باز یکی دیگر از جنبه های این جنسایت عظیم، هراس رژیم از عملیات احتمالی سازمانهای سیاسی - نظامی برای آزاد ساختن زندانیان سیاسی بود و بدین وسیله خواست از پیش باصلاح نقشه چریکها را عقیم سازد. پس ۹ انقلابی اسیر را معدوم ساخت، و بواقع تنها از این طریق است که رژیم در پشاندوری شاه و حامیان امپریالیستش میتوانند عطف خون آشامی خود را سیراب کنند، زیرا که جنبش انقلابی با تجربه پنج ساله خود، از جنان کارآئی تاکتیکی برخوردار است که کمتر رد پائی، بعد از وارد کردن ضربات نظامی بر رژیم، بجای میگذارد.

رفقای چریکهای فدائی خلق علت این جنایت رژیم را چنین بررسی میکنند: " اعدام فقط بوسیله جلا د ان شاه از سوتی نشان دهنده خشم دیوانوار و انتقام جویانه رژیم مزرور است در مقابل اعدام انقلابی، عباس شهریاری، سرگرد نیک طبع شکجه کر معروف و سروان یدالله نوری فرمانده کار د دانشگاه آریامهر بوسیله سازمان چریکهای فدائی خلق و اعدام سرتیپ زندی پور بوسیله سازمان مجاهدین خلق و از سوی دیگر اعدام حساب شده ایست برای مقابله با جنبش نوین انقلابی خلق ما. رژیم که با کمال در ماندگی ناظر رشد روز افزون قدرت چریکهای انقلابی است، از این وحشت داشت که چریکها برای آزاد کردن رفقای خود دست به اقدامی بزنند که او قادر به مقابله در برابر آن نباشد. بدین جهت تصمیم گرفت پیش از وقت رفقا را نابود سازد تا انجام این عمل غیر ممکن گردد. (نبرد خلق - ۶) از طرفی دیگر نقش این رفقا در مبارزه مقاومت، سازماندهی و برنامه ریزی، آموزشی و تحقیقی در زندان بسیار برجسته بوده است و در کتبه زندانها رفقا سمبل مبارزه، آگاهی، مقاومت و جسارت بوده اند.

بدین ترتیب در می یابیم که این رفقا دارای چه ارزشی برای خلق ما بودند، و وجود آنان برای رژیم چه اهمیت خاصی داشت. رژیم بارها دست به نابودی آنها دراز کرده بود ولی توجه کلیه نیروهای مترقی و ویژه سازمانهای انقلابی به آنان و همینطور فشار افکار عمومی جهان و سازمانهای حقوقی بین المللی مانع از انجام این عمل شوم میشد. اما بالاخره علیرغم پشتیبانی همه جانبه از رفقا، رژیم بر اساس جنبه های

بقیه صفحه ۲

اول ماه مه

روز همبستگی کارگران جهان

۹ سال از اول ماه مه ۱۸۸۶، روزیکه اعتصاب کارگران شیکاگو بخون کشیده شد، میگذرد. بعد از کتکه اول انترناسیونال دوم این روز بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران اعلام شد، که هر سال کارگران با برافراشتن پرچمهای سرخ و نمایشات خیابانی، بنمایش نیرو، بیان هدفهای نزدیک و نهایی خود میپردازند.

مارکس و انگلس پایه گذاران سوسیالیسم علمی و تنظیم کنندگان فلسفه ماتریالیسم - دیالکتیک، جهان بینی انقلابی طبقه کارگر، خصائل طبقاتی و رسالت انقلابی پرولتاریا را به بهترین نحو بیان کرده اند. و ما اکنون برای دقت گرفتن بیوند فکری روشننگران یا کارگران و مستحکمتر کردن وفاداری و ایمان آنان نسبت باین طبقه انقلابی در بزرگداشت این روز بزرگ نکاتی از تحلیل علمی این پیشوایان انقلابی پرولتاریا میآوریم.

در مقایسه با طبقات دیگر که در مبارزات خود منافع استثماری دارند و در جهت جاننشین کردن یک استعمار با استعمار دیگر حرکت میکنند و هدفشان تنها آزادی قشر یا طبقه محدود خود است، مارکس و انگلس مقاصد انقلابی پرولتاریا را چنین بیان میکنند: " طبقه استعمار شونده و محکوم یعنی پرولتاریا نمیتواند از سلطه طبقه استعمار کننده و حاکم، یعنی بورژوازی، رهائی

بقیه صفحه ۵

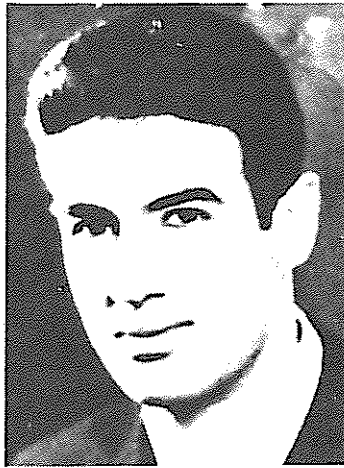
اخبار

* طبق اخبار منتشره از طرف رژیم، ۱۴ نفر از دانشجویان مدرسه عالی بابلسر در سال جاری بنامیت شرکت در فعالیتهای سیاسی این دانشگاه و از احکانات محروم شده بودند. در این رابطه در روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه دانشجویان بعنوان اعتراض باین امر به اعتصاب می پردازند و " تعداد ۳۰ نفر " به دفتر رئیس دانشگاه میروند. این اعتصاب خیلی زود حالت قهر بخود میگیرد و در این میان رئیس دانشگاه به نام فاروق بسختی ضروب میشود. آنچه در این میان مهم است اینکه ابعاد این اعتصاب و تظاهرات آنقدر وسیع بوده که خبر آن جای مخصوصی را در رادیو و روزنامه های عصر رژیم اشغال کرد. لازم به یاد آوریم که مدرسه عالی بابلسر سابق مبارزاتی جالبی دارد.

* طبق آخرین خبر رسیده از ایران خواهر رضائیه (مجاهدین شهید رضا، احمد و مهدی رضائی) و همچنین فاطمه امینی که مدتی پیش توسط ماموران ساواک بلژانت شده بودند در زیر شکنجه بدست دژخیمان شاه بنشهادت رسیده اند. اکنون مادر قهرمان رضائیه در زیر شکنجه دژخیمان قرار دارد و جاننش در خطر است. همچنین از مدتی قبل رفیق حمید موثقی نویسنده انقلابی در ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق توسط ماموران ساواک دستگیر و زیر شکنجه کشیده شده است. از هنگام دستگیری تا بحال از این رفیق خبری در دست نیست و احتمال میرود که دژخیمان شاه این نویسنده انقلابی را زیر شکنجه بشهادت رسانده باشند. رفیق آثار خود را با نام

بقیه صفحه ۳

پرچم سازمان چریکهای فدائی خلق پرچم وحدت جنبش انقلابی، طبقه کارگر



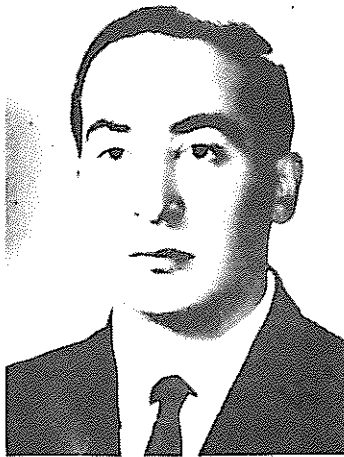
سعید کلانتری



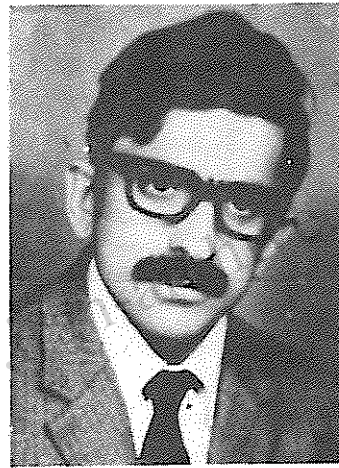
بیشن جزینی



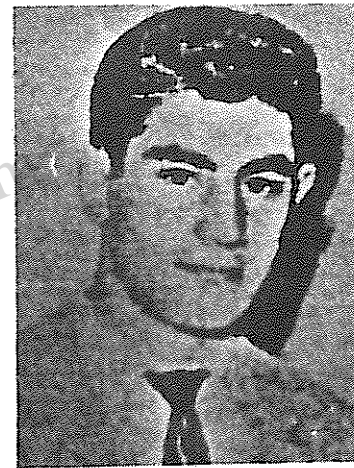
عباس سورکی



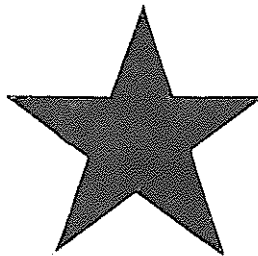
احمد جلیل انار



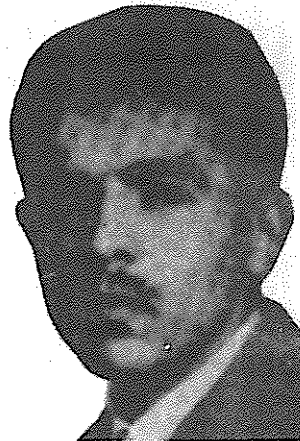
حسن ضیاء ظریفی



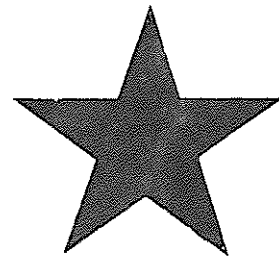
عزیز سرمدی



محمد چوپانزاده



مصطفی جوان خوشدل



کاظم ذوالانوار

درود آتشین به رزمندگانیکه یک لحظه آرمانهای
والای، زحمتکشان را از یاد نمی برند